



105177 ✓



دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی تربیتی

تأثیر ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بر سلامت روان در

دانش آموزان دبیرستانی با واسطه‌ی هوش هیجانی

توسط

فاطمه تجلی

استاد راهنما

دکتر مرتضی لطیفیان

بهمن ماه ۱۳۸۶

۱۰۵۱۷۷

کتابخانه مرکزی
شهر شاهرود
۱۳۸۷ / ۲ / ۲۱

به نام خدا

تأثیر ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بر سلامت روان در دانش آموزان
دبیرستانی با واسطه‌ی هوش هیجانی

به وسیله‌ی
فاطمه تجلی

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی
از فعالیت‌های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی
روانشناسی تربیتی

از دانشگاه شیراز
شیراز
جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: عالی

دکتر مرتضی لطیفیان، دانشیار بخش روانشناسی تربیتی (رئیس کمیته).....

دکتر بهرام جوکار، استادیار بخش روانشناسی تربیتی.....

دکتر راضیه شیخ الاسلامی، استادیار بخش روانشناسی تربیتی.....

بهمن ماه ۱۳۸۶

تقدیم به

" حضرت دوست که هرچه داریم از اوست "

سپاسگزاری

سپاس دادار دانا و پروردگار توانا که از سر لطف و کرم توفیق تدوین و نگارش این پایان نامه را به من عطا فرمود.

برخود می دانم که از اساتید و بزرگوارانی که صادقانه و بی دریغ مرا مشمول عنایات خود نموده و باعث پر بار شدن این پژوهش شدند تشکر و قدردانی نمایم.

در ابتدا سپاس بیکران خود را تقدیم به استاد فرزانه و شمع فروزان علم و ادب جناب آقای دکتر لطیفیان می نمایم که خاضعانه و با سعه ی صدر راهنمای من در انجام این تحقیق بودند. از استاد مشاور گرانقدرم جناب آقای دکتر جوکار به لطف راهنماییهای ارزشمندشان سپاسگزارم که همواره از تسلط و مهارتشان بهره مند بودم.

از استاد مشاور عزیزم سرکار خانم دکتر شیخ الاسلامی به پاس یاری بی دریغشان سپاسگزاری می کنم که با رویی گشاده همواره مرا پذیرفتند.

از دیگر اساتید محترمی نیز که در این دوره دو ساله از وجودشان بهره مند شدم آقایان دکتر رضویه، دکتر خیر، دکتر حسین چاری، دکتر سامانی و سرکار خانمها دکتر یوسفی و دکتر فولاد چنگ قدر دانی می نمایم.

از سرکار خانم افشون همکار محترم در سازمان بهزیستی سپاسگزارم ایشان راهنما و مشوق اصلی من در ورود به این رشته بوده اند.

و درانتها از خانواده و تمام دوستان و همکاران عزیزی که در این راه مرا یاری نمودند کمال تشکر را دارم.

چکیده

تاثیر ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بر سلامت روان در دانش آموزان دبیرستانی با واسطه‌ی هوش هیجانی

به وسیله‌ی

فاطمه تجلی

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ی هوش هیجانی در رابطه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده، شامل: جهت گیری گفت و شنود و همنوایی با سلامت روان بود. نمونه پژوهش که به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی انتخاب گردیدند شامل ۳۸۵ دانش‌آموز دختر (۱۹۰ نفر) و پسر (۱۹۵ نفر) از دبیرستانهای شهر شیراز بودند. برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش از پرسشنامه‌ی هوش هیجانی تجدید نظر شده‌ی آستین و همکاران (۲۰۰۴)، پرسشنامه‌ی سلامت عمومی گلدبرگ و هیلر (۱۹۷۹) و پرسشنامه تجدید نظر شده ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده فیتزپاتریک و ریچی (۱۹۹۷) استفاده شد. پایایی و روایی ابزارها با استفاده از ضریب پایایی آلفای کرونباخ، باز آزمایی و تحلیل عوامل تعیین گردید. نتایج حاکی از روایی و پایایی قابل قبول آزمونها بود. مدل فرضی با استفاده از رگرسیون به شیوه متوالی همزمان و با بکار گیری مراحل پیشنهادی بارون و کنی (۱۹۸۶)، مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها حاکی از آن بود که جهت گیری گفت و شنود خانواده نسبت به جهت گیری همنوایی پیش بینی کننده مثبت و قوی تر سلامت روان و هوش هیجانی است. همچنین نتایج نشان داد گفت و شنود خانواده هم به صورت مستقیم و هم با واسطه‌ی سهمی هوش هیجانی پیش بینی کننده سلامت روان است. مضامین و پیشنهادات تحقیقاتی آتی مورد بحث قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: الگوهای ارتباطی خانواده، جهت گیری گفت و شنود، جهت گیری همنوایی، هوش هیجانی، سلامت روان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
------	-------

فصل اول: مقدمه

۲	۱-۱- کلیات
۶	۲-۱- مبانی نظری
۶	۱-۲-۱- ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده
۱۱	۱-۱-۲-۱- جهت گیری گفت و شنود
۱۲	۲-۱-۲-۱- جهت گیری همنوایی
۱۴	۱-۲-۱-۳- انواع الگوهای ارتباطی خانواده
۱۷	۲-۲-۱- هوش هیجانی
۱۹	۱-۲-۲-۱- مدل توانایی از هوش هیجانی
۲۳	۲-۲-۲-۱- مدل هوش هیجانی گلمن
۲۴	۱-۲-۲-۳- مدل شخصیتی بار-اون از هوش هیجانی
۲۶	۳-۱- بیان مسأله
۲۷	۴-۱- اهمیت مسأله

فصل دوم: تحقیقات پیشین

۳۰	۱-۲- ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و سلامت روان
۳۷	۲-۲- ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و هوش هیجانی
۴۶	۳-۲- هوش هیجانی و سلامت روان
۵۳	۴-۲- نقش واسطه ای هوش هیجانی
۵۶	۲-۵- سؤالات تحقیق

- ۶-۲- نتیجه گیری از تحقیقات پیشین ۵۷
- ۷-۲- فرضیه های تحقیق ۶۰

فصل سوم: روش تحقیق

- ۱-۳- گروه نمونه (جامعه آماری، نمونه آماری و روش نمونه گیری) ۶۳
- ۲-۳- متغیرها و ابزار تحقیق ۶۴
- ۱-۲-۳- پرسشنامه سلامت عمومی ۶۵
- ۲-۲-۳- پرسشنامه تجدید نظر شده الگوهای ارتباطی خانواده ۶۷
- ۳-۲-۳- پرسشنامه تجدید نظر شده هوش هیجانی ۷۰
- ۳-۳- فرآیند اجرا ۷۳
- ۴-۳- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات ۷۴

فصل چهارم: یافته های تحقیق

- ۱-۴- یافته های توصیفی متغیرهای مورد پژوهش ۷۷
- ۲-۴- ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه ۷۸
- ۳-۴- تحلیل و آزمون سؤالات ۷۹
- ۱-۳-۴- میزان پیش بینی کنندگی سلامت روان توسط ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده ۸۰
- ۲-۳-۴- میزان پیش بینی کنندگی هوش هیجانی توسط ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده ۸۱
- ۳-۳-۴- میزان پیش بینی کنندگی سلامت روان توسط ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده با کنترل هوش هیجان ۸۲

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۱-۵- بحث و بررسی یافته های تحقیق.....	۸۵
۱-۱-۵- جهت گیری گفت و شنود و سلامت روان.....	۸۶
۲-۱-۵- جهت گیری همنوایی و سلامت روان.....	۸۸
۳-۱-۵- جهت گیری گفت و شنود و هوش هیجانی.....	۹۰
۴-۱-۵- جهت گیری همنوایی و هوش هیجانی.....	۹۲
۵-۱-۵- هوش هیجانی و سلامت روان.....	۹۵
۶-۱-۵- هوش هیجانی بعنوان واسطه.....	۹۶
۲-۵- کاربردهای نظری و عملی.....	۹۸
۳-۵- پیشنهادات تحقیقاتی.....	۹۹
۴-۵- محدودیت ها.....	۱۰۰
منابع فارسی.....	۱۰۱
منابع لاتین.....	۱۰۲
پیوست ها.....	۱۱۴

فهرست جداول

عنوان	صفحه
جدول ۱-۲ : مؤلفه های مدل شخصیتی بار- اون همراه با عوامل آن.....	۲۵
جدول ۲-۲ : گزیده ی آزمونهای انجام شده در ارتباط هوش هیجانی و سلامت روان.....	۴۸
جدول ۱-۳ : توزیع فراوانی گروه نمونه.....	۶۴
جدول ۲-۳ : ضرایب همبستگی بین خرده آزمون های پرسشنامه سلامت عمومی با یکدیگر و با نمره کل.....	۶۶
جدول ۳-۳ : نتایج تحلیل عاملی ابزار تجدید نظر شده ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده.....	۶۹
جدول ۴-۳ : نتایج تحلیل عاملی مقیاس تجدید نظر شده هوش هیجانی.....	۷۳
جدول ۱-۴ : میانگین و انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره آزمونها.....	۷۷
جدول ۲-۴ : ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه.....	۷۸
جدول ۳-۴ : میزان پیش بینی کنندگی سلامت روان توسط ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده.....	۸۰
جدول ۴-۴ : میزان پیش بینی کنندگی هوش هیجانی توسط ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده.....	۸۱
جدول ۶-۴ : میزان پیش بینی کنندگی سلامت روان توسط ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده با کنترل هوش هیجانی.....	۸۲

فهرست اشکال

صفحه	عنوان
۵۳.....	شکل ۲-۲: مدل نظری سیاروچی، چن و همکاران.....
۶۱.....	شکل ۳-۲: روابط مورد بررسی در تحقیق حاضر.....
۷۵.....	شکل ۱-۳: مسیرهای موجود در تحقیق حاضر.....
	شکل ۲-۴: تأثیر ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بر سلامت روان با واسطه ی
۸۳.....	هوش هیجانی.....

فصل اول

مقدمه

۱- مقدمه

۱-۱- کلیات

آدمی از دیرباز جستجوگر شیوه‌های رسیدن به سعادت‌مندی بوده است. وی همواره این سؤال را پیش روی خود داشته که چه چیز موجبات سلامت و سعادتش را در زندگی فراهم می‌آورد. روانشناسی مثبت‌نگر^۱ تبلور یک تغییر در روانشناسی است. این جنبش در پی آن است که از نقاط قوت انسانها به عنوان سپری علیه بیماریها استفاده نماید. این رویکرد، هدف غایی خود را شناسایی سازه‌ها و شیوه‌هایی می‌داند که موجبات بهزیستی انسان را فراهم آورند. از این رو عواملی که موجبات تطابق هر چه بیشتر آدمی با نیازها و تهدیدات زندگی را سبب گردند، بنیادی‌ترین سازه‌های مورد پژوهش این رویکرد می‌باشند (اسنایدر^۲ و لوپز^۳، ۲۰۰۲؛ الان^۴، ۲۰۰۴). در این میان، هوش هیجانی^۵ جایگاه ویژه‌ای، خصوصاً در حوزه‌های روانشناسی خانواده، روانشناسی تحول و بهداشت روانی، به خود اختصاص داده است (الان، ۲۰۰۴؛ سیاروچی^۶، فورگاس^۷ و مایر^۸، ۲۰۰۳). نظریه‌پردازان هوش هیجانی بر این باورند، که بین هوش

^۱. Positive Psychology

^۲. Snyder

^۳. Lopes

^۴. Alan

^۵. Emotional intelligence

^۶. Ciarrochi

^۷. Forgas

^۸. Mayer

هیجانی و قدرت مقابله با موقعیتهای مخاطره‌آمیز رابطه‌ی مثبت وجود دارد (سالوی^۱، بدل^۲، دیتویلر^۳، و مایر، ۲۰۰۰) و بالا بودن هوش هیجانی را به عنوان یک عامل حفاظت‌کننده مطرح نموده‌اند. بار-اون^۴ (۱۹۹۷)، به نقل از الان، ۲۰۰۴) نیز معتقد است که هوش هیجانی شامل توانائی‌ها و مهارت‌های غیرشناختی است که باعث فائق آمدن فرد بر فشارها و نیازهای محیط می‌شود و موجب تطابق فرد در زندگی می‌گردد. مایر و سالووی (۱۹۹۷) در آخرین تجدید نظر خود هوش هیجانی را توانایی دریافت، ابراز، شناخت، کاربرد و مدیریت هیجان‌ها در خود و دیگران تعریف کرده‌اند. هوش هیجانی بر اساس نظر سالووی، مایر، و کروسو^۵ (۲۰۰۲) دارای چهار سطح از توانایی است که به صورت سلسله‌وار و برحسب فرآیندهای اساسی و زیربنایی تا فرآیندهای پیچیده‌تر روان‌شناختی تنظیم شده‌اند. این چهار سطح از هوش هیجانی و توانایی‌های تشکیل دهنده آن‌ها عبارتند از:

۱. ادراک و ابراز هیجانی^۶، که در رابطه با این مسئله است که افراد چقدر می‌توانند هیجان‌ات و محتوای آن را در خود و دیگران تشخیص دهند و هیجان‌ات خود را ابراز کنند.
۲. تسهیل هیجانی تفکر^۷، یعنی هیجانها می‌تواند حافظه را شکل دهد. زوایای دید متفاوتی را در حل مسئله ایجاد کند و خلاقیت را تسهیل سازد.
۳. شناخت و تحلیل اطلاعات هیجانی^۸، در برگزیده فرآیندها و ساختارهای حافظه‌ای مربوط به نام‌گذاری هیجان‌ها است. شناخت هیجانی مشخص می‌کند که چگونه فرد معانی، علتها و عواقب موقعیت‌های هیجانی را شناسایی می‌کند.

1. Salovey

2. Bedell

3. Detweiler

4. Bar-on

5. Caruso

6. Emotional perception and expression

7. Emotional facilitation of thought

8. Emotional understanding

۴. مدیریت هیجانی^۱، بالاترین سطح هوش هیجانی است و در رابطه با مدیریت و توانایی تنظیم هیجان‌ها در خود و دیگران به منظور ارتقاء رشد هیجانی و هوشی می‌باشد.

اهمیت این نوع از هوش سبب شده تحقیقات متعددی به عوامل اثرگذار و اثرپذیر از این متغیر بپردازند. با توجه به نقش بسزای خانواده در تعیین و تحول صفات شخصیتی و رشد افراد، مطالعه خانواده و پیامدهای آن حائز اهمیت است. تحقیقات حاکی از آن است که خانواده بر رفتارهای فرد در هیچ حیطه‌ای به اندازه‌ی حیطه‌ی رفتارهای ارتباطی تأثیر ندارد (فیتزپاتریک^۲ و ریچی^۳، ۱۹۹۴؛ برلسون^۴، دلیا^۵، و اپلگیت^۶، ۱۹۹۵، مک لئود^۷ و چفی^۸، ۱۹۷۲، ریسی^۹، ۱۹۸۱، به نقل از کوئرر^{۱۰} و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲a). براین اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بر سلامت روان با واسطه‌ی هوش هیجانی انجام پذیرفت. درارتباط با الگوهای ارتباطات خانواده فیتزپاتریک و ریچی (۱۹۹۴) با تجدید نظر بر کاری که ابتدا توسط مک‌لئود و چفی (۱۹۷۲) انجام شده بود، دو بعد زیربنایی جهت‌گیری گفت و شنود^{۱۱} و جهت‌گیری هم‌نوایی^{۱۲} را در الگوهای ارتباطات خانوادگی شناسایی کردند. آن‌ها جهت‌گیری گفت و شنود را به میزانی که خانواده‌ها شرایطی را فراهم می‌آورند که در آن همه‌ی اعضای خانواده تشویق به شرکت آزادانه و راحت در تعامل، بحث و تبادل نظر درباره‌ی گستره‌ی وسیعی از موضوعات شوند تعریف کرده‌اند و جهت‌گیری هم‌نوایی را به میزانی که خانواده‌ها

¹. Emotional management

². Fitzpatrick

³. Ritchie

⁴. Berleson

⁵. Delia

⁶. Epplegate

⁷. McLeod

⁸. Chaffee

⁹. Reiss

¹⁰. Koerner

¹¹. Conversation orientation

¹². Conformity orientation

شرایط همسان بودن نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید را مورد تأکید قرار می‌دهند در نظر گرفته‌اند (به نقل از کوئرنر و فیتزپاتریک، ۱۹۹۷). از ترکیب این دو بعد، چهار نوع خانواده که هر کدام الگوی ارتباطی متفاوتی دارند حاصل می‌شود. این چهار الگو عبارتند از:

۱. خانواده‌های توافق‌کننده^۱، در هر دو بعد جهت‌گیری گفت و شنود و همنوایی نمره‌ی زیادی می‌گیرند. آن‌ها سعی می‌کنند حتی زمانی که بیان نظرات متفاوت یکدیگر را تشویق می‌کنند، تأکید زیادی بر توافق و موافقت با هم داشته باشند.

۲. خانواده‌های کثرت‌گرا^۲، در جهت‌گیری گفت و شنود نمره‌ی زیاد و در جهت‌گیری همنوایی نمره کم می‌گیرند. ویژگی این خانواده‌ها ارتباطات باز، آزاد و راحت و از نظر عاطفی حمایت‌کننده بودن است.

۳. خانواده‌های حفظ‌کننده^۳، در جهت‌گیری گفت و شنود نمره‌ی کم و در جهت‌گیری همنوایی نمره‌ی زیاد می‌گیرند. این خانواده‌ها با تأکید زیاد بر همنوایی با والدین و اطاعت از آن‌ها شناخته می‌شوند. به علاوه، اعضای خانواده از تعارض با یکدیگر از طریق پیروی آشکار از مرجعیت والدین اجتناب می‌کنند.

۴. خانواده‌های به حال خود واگذاشته^۴، در هر دو جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری همنوایی نمره‌ی کمی می‌گیرند. این نوع خانواده‌ها تعامل والد-فرزندی اندکی دارند. در نتیجه، فرزندان به جای پویایی خانواده تحت تأثیر زمینه‌ی اجتماعی بیرونی قرار می‌گیرند (فیتزپاتریک و ریچی، ۱۹۹۴، به نقل از کوئرنر و فیتزپاتریک، ۱۹۹۷).

خانواده از بسیاری از جهات برای کمک به سازگاری و سلامت روانی، بافتی منحصر به فرد است و یکی از مهم‌ترین محیط‌های مؤثر بر سلامت جسمی و روحی افراد به شمار می‌رود.

1. Consensual

2. Pluralistic

3. Protective

4. Laissez-faire

خانواده شرایط لازم برای رشد و رسیدن به توازن جسمی، روانی، هیجانی و اجتماعی را فراهم می‌آورد (وود^۱، ۱۹۹۶). انگیزه‌ها و شیوه‌های ارتباطی والد-فرزندی، الگویی از رفتار را فراهم می‌آورد که به مهارت‌های ارتباطی فرزندان شکل می‌دهد و پیامدهای عمیق و درازمدت بر هوش هیجانی کودک بر جا می‌گذارد (گلمن^۲، ۱۹۹۵). به این ترتیب بررسی و مطالعه این نهاد به عنوان یک نهاد اجتماعی تاثیرگذار از دیرباز مورد کنکاش محققان بوده است.

۱-۲- مبانی نظری

به منظور مطالعه و بررسی تاریخچه و مبانی نظری، ابتدا به بررسی مفهوم الگوهای ارتباطات خانواده پرداخته می‌شود، سپس ابعاد و انواع آن معرفی می‌گردد. در ادامه مدل‌های مختلف هوش هیجانی و موضع‌های نظری که در مورد آنها وجود دارد مطرح می‌شود.

۱-۲-۱- ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده

خانواده یک تجربه جهانی است و در هر فرهنگی یافت می‌شود. با مطرح شدن واژه خانواده تلاش جهت یک تعریف جامع و کاربردی از آن آغاز شده است. با هم بودن، ازدواج، فرزندپروری، سبک زندگی، سکونت دائم مفاهیمی هستند که در تعاریف مختلف آمده‌اند. به اعتقاد نولر^۳ و فیتزپاتریک (۱۹۹۳)، به نقل از ولتی^۴، ۲۰۰۳) خانواده معمولاً با استفاده از سه مقوله تعریف می‌شود: ساختار^۵، وظیفه‌مداری^۶ و فرایند‌های تبادلی^۷.

^۱.Wood

^۲.Golman

^۳.Noller

^۴.Welty

^۵. Structure

^۶.Task orientation

^۷.Transactional Process

در تعریف ساختاری به سلسله مراتب اعضای خانواده از لحاظ قانونی و زیست‌شناختی با توجه به جنس و سن توجه می‌شود. در تعریف وظیفه‌مداری تمرکز بر نیازهای روانی اجتماعی خانواده است بطور مثال در این مقوله یک خانواده خوب خانواده‌ای است که پاسخگوی جامعه‌پذیری فرزندانش باشد. فرایندهای تبدیلی بر احساسات و پاسخگویی دو جانبه اعضا به یکدیگر تاکید دارد و خانواده مطلوب در این تعریف به عنوان یک گروه صمیمی و دارای حس یکی بودن و هویت گروهی معرفی می‌شود. با این وجود در زمینه تعریف خانواده، در بعضی از تحقیقات علمی پیشروی تدریجی از تعاریف ساختاری به تعاریف کارکرد محور مشهود است (نولر و فیتزپاتریک، ۱۹۹۳، به نقل از ولتی، ۲۰۰۳).

تئوری سیستم‌های خانوادگی، خانواده را به صورت سیستمی در نظر می‌گیرد. در نگاه سیستمی به خانواده هر بخش بر بخش‌های دیگر تأثیر گذاشته و از آنها تأثیر می‌پذیرد (کلین^۱ و وایت^۲، ۱۹۹۶، به نقل از سیگل‌من^۳ و شیفِر^۴، ۱۹۹۹). برونفن‌برنر^۵ در رویکرد بوم‌شناختی خود (۱۹۷۹، ۱۹۹۵، به نقل از سیگل‌من و شیفِر، ۱۹۹۹) خانواده را سیستمی در نظر می‌گیرد که درون سیستم‌های اجتماعی بزرگتر همچون محله، جامعه، خرده فرهنگ و فرهنگ‌های وسیعتر قرار گرفته و از آن تأثیر می‌پذیرد.

بسیاری از متخصصان به جای معرفی خانواده به عنوان یک سیستم یا یک گروه پردازش اطلاعات یا فرصتی برای مبادله اجتماعی بین اعضای آن، خانواده را به عنوان نوعی ارتباط و گفت و شنود معرفی می‌کنند (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴). واتزلوویک^۶، بیوین^۷، و جکسون^۸ (۱۹۶۷)، به

1. Klein

2. White

3. Sigelman

4. Shaffer

5. Bronfenbrenner

6. Watzlawick

7. Beavin

8. Jakson

نقل از کلارک^۱ و شیلدز^۲، ۱۹۹۷) خانواده را سیستمی قانون گذار تعریف می‌کنند که اعضای آن به طور مداوم در حال تعریف مجدد ماهیت روابط خود بر مبنای الگوی ارتباطاتشان هستند. اعضای خانواده الگوهای ارتباطات خود را برای سازماندهی در شیوه‌های قابل پیش بینی رفتار به کار می‌برند (گالوین^۳ و برومل^۴، ۱۹۹۱، به نقل از کلارک و شیلدز، ۱۹۹۷) الگوهای ارتباطات خانواده متمایز از یکدیگر هستند. شناخت انواع مختلف الگوها و سبکهای ارتباطات خانواده علاوه بر توصیف، به پیش بینی عملکرد خانواده و توصیه‌ها و تجویزهای مربوط به آن هم کمک می‌کند (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴).

در حوزه ارتباطات خانواده حدود سی سال است که تحقیقات در زمینه مدل‌های کارآمد ارتباطات والد-فرزندی توسط سازه‌ی الگوهای ارتباطات خانواده صورت می‌گیرد. با مطالعه ارتباطات خانواده ابتدا مک‌لئود و چفی (۱۹۷۲، به نقل از کوئرتر و مکی^۵، ۲۰۰۴) استدلال کردند که برای رسیدن به عقاید مشترک در بین اعضای خانواده، عمدتاً دو راه وجود دارد: یک راه مورد بحث قرار دادن باورها و مفاهیم به منظور رسیدن به معنای مشترک است. آنها این شیوه را "جهت‌گیری مفهومی" نامیدند. راه دیگر، رو آوردن به والدین برای راهنمایی گرفتن می‌باشد، که آن را "جهت‌گیری اجتماعی" نامیدند. جهت‌گیری مفهومی به وسیله بیان آزادانه‌ی عقاید و درگیری فعالانه در بحث و تبادل نظر مشخص می‌شود. در حالی که ویژگی جهت‌گیری اجتماعی تلاش برای حفظ و نگهداری روابط همگون و همساز والد-فرزندی است. آنها اشاره کردند که جهت‌گیری اجتماعی بیشترین هماهنگی ارتباطی را بین والدین و فرزندان دارد زیرا از تعارضها جلوگیری می‌کند. وقتی کودکان و نوجوانان بر اساس نظر والدین عمل می‌کنند، عدم توافق و مشاجره بوجود نمی‌آید. بنابر این والدینی که جهت‌گیری اجتماعی دارند با

1. Clark

2. Shields

3. Galvin

4. Brommel

5. Maki

مشکلات رفتاری کمتری در کودکان خود مواجه هستند. در عوض کودکانی که تشویق می‌شوند بصورت مستقل عمل کنند احتمال ایجاد تعارض و ناهماهنگی در رفتارشان وجود دارد زیرا رفتار آنها ممکن است با انتظارات، آرزوها و ارزشهای والدین نامتجانس باشد (مک لئود و چفی، ۱۹۷۲، به نقل از کوئرنر و مکی، ۲۰۰۴). آنها ابزاری ساختند که یافته‌هایشان را تأیید می‌کرد.

سالها بعد یافته‌های مک لئود و چفی توسط ریچی (۱۹۹۱، به نقل از کوئرنر و مکی، ۲۰۰۴) به چالش کشیده شد و دوباره روی آنها کار شد. ریچی چندین یافته تحقیقاتی ناهمخوان با چهارچوبی که توسط مک‌لئود و چفی (۱۹۷۲، به نقل از کوئرنر و مکی، ۲۰۰۴) بیان شده بود، را متذکر شد و ابعاد زیر بنایی این الگوها را به این منظور که ویژگی‌های رفتاری خود را بهتر به دست آورند، از نو نامگذاری کرد و در ابزار الگوهای ارتباط خانواده نیز با افزودن چند گویه برای افزایش روایی و پایایی آن تجدید نظر کرد. از آنجا که جهت‌گیری مفهومی بر اهمیت عقاید تأکید داشت، جهت‌گیری گفت و شنود نامیده شد تا توجه به بحث و تبادل نظر باز و پذیرنده‌ی عقاید بین والدین و فرزندان را بخوبی منعکس کرده باشد. و از آنجا که جهت‌گیری اجتماعی بر پیروی تأکید داشت، جهت‌گیری هم‌نوایی نامیده شد. او توضیح داد که وقتی والدین و فرزندان ارتباط باز و حمایت‌کننده دارند بیشتر احتمال دارد تصمیمات یکسان و موافق با هنجارهای خانواده بگیرند و در نتیجه بهتر می‌توانند در بحثها و موقعیتهای چالش‌انگیز شرکت کنند. در عوض جهت‌گیری هم‌نوایی مانع توافقیهای خانوادگی، بحث و بررسی و رفتارهای مستقلانه می‌شود و منجر به سرکشی و شورش نسبت به کنترل صریح خانواده و تعارض بیشتری در ارتباطات والد-فرزندی خواهد شد. بنابر این علی‌رغم تحقیقات انجام شده بوسیله ابزار قدیمی ریچی دقیقاً عکس آنچه را طراح اصلی ابزار اذعان می‌کرد مطرح نمود.